

پیشینه و جایگاه اجتماعی، مذهبی و سیاسی سادات گیلانی در افغانستان

سیدجمال الدین موسوی^۱

چکیده

نسب سادات گیلانی افغانستان به شیخ عبدالقادر گیلانی، بنیان گذار طریقت قادریه، می‌رسد. این تبار در طی دوره‌های زمانی متفاوت به شهرهای مهم افغانستان منتقل شدند. سادات گیلانی شعبه هرات، بیشتر به فعالیت‌های عرفانی و تا حدودی فرهنگی و اجتماعی اشتغال داشته، اما شعبه کابل در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز فعال بوده است. داشتن حزب سیاسی مستقل، حضور در کابینه دوره مجاهدین، حضور در نشست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مهم کشوری و نمایندگی در مجالس شورا و سنا، عمده فعالیت‌های سیاسی آن‌ها بوده است. آنان در عرصه اجتماعی نیز به دلیل انتساب به خاندان عرفانی و داشتن نسبت سیادت، میان گروه‌ها از باشندگان کشور دارای احترام فراوان هستند. ایشان در عرصه حقوق زنان، اطفال و خدمات عمومی سهم دارند. سادات گیلانی کابل در حال حاضر از رهبری طریقت به دنیای سیاست، روی آورده‌اند. این تحقیق بر آن است تا با روش توصیفی و تحلیلی به پیشینه و جایگاه اجتماعی، مذهبی سادات گیلانی در افغانستان بپردازد.

واژه‌های کلیدی

افغانستان، طریقت قادریه، شیخ عبدالقادر گیلانی، سادات گیلانی هرات، سادات گیلانی کابل.

^۱ - دانش‌پژوه دوره دکتری رشته جریان‌های کلامی معاصر در جهان اسلام، جامعه المصطفی العالمیه.
Sjmusavi1988@yahoo.com

مقدمه

در کنار جریان‌ها، حکومت‌ها و احزاب، نقش و کارکردهای تبارها و خاندان‌های مشهور را در تاریخ معاصر افغانستان نمی‌توان نادیده انگاشت. در چند دهه اخیر، تبارهای مختلفی در عرصه‌های گوناگون دینی و مذهبی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در مناطق مختلف افغانستان دارای شهرت بوده است. تبار سلجوقیان در هرات، تبار سادات میرواعظ در کابل، تبار احراریان در هرات، تبار نقش‌بندیان مجددی در سراسر افغانستان، تبار شیعی روحانی مذهبی صدر در شمال افغانستان و در کابل، تبار روحانی مقدس بارکزائیان در قندهار، تبار شیعی روحانی حجت در کابل، تبار سیاسی آل یحیی در کابل، طایفه یا تبار بزرگ اجتماعی اندرابی‌ها در کابل و تبار اجتماعی فرملی‌ها در کابل، برخی از مشهورترین تبارها و خاندان‌ها در تاریخ معاصر افغانستان است. قضاوت در مورد کارکردها و فعالیت‌های مثبت و منفی آنان پس از شناخت و معرفی دقیق آنان امکان‌پذیر خواهد بود.

سادات گیلانی افغانستان، یکی از تبارهای روحانی و سیاسی مشهور در افغانستان معاصر است که در قضایای سیاسی، اجتماعی و مذهبی دارای نقش بوده است. از آنجاکه این گروه از خارج از افغانستان به این کشور آمده، به‌مرور زمان جایگاه قابل توجهی به دست آورده‌اند. دیدگاه‌های مختلفی درباره ماهیت آن‌ها طرح گردیده است. با توجه به نقش پررنگی که این تبار در تاریخ معاصر افغانستان داشته، این را می‌طلبید که در بررسی جایگاه و کارکردهای آن‌ها، نگارش مستقلی صورت گیرد. با در نظر گرفتن مطالب فوق، نگارش حاضر شکل گرفته است.

سادات گیلانی در طی فاصله‌های زمانی مشخص به شهرهای هرات و کابل افغانستان وارد شدند. آن‌ها با سکونت در این شهرها به فعالیت‌های گوناگون پرداخته‌اند. در معرفی و فعالیت‌های گیلانی‌های هرات، آثاری از جانب خود آن‌ها و یا دیگران نگارش یافته، اما پیرامون گیلانی‌های کابل، منبع مشخص و معتبری از جانب خود آنان و یا نزدیکان آن‌ها که به معرفی آنان پرداخته باشد، وجود نداشته و یا در دسترس همگان نیست. با در نظر داشت این مسئله، نگارش حاضر با استفاده از منابع و مراجع زیر به وجود آمده است.

۱- منابعی که پیرامون سادات گیلانی هرات نوشته شده است؛ مانند کتاب رساله مزارات

هرات اثر جمعی از نویسندگان؛ و کتاب *جلوه‌های عرفان*، اثر سید محمد رفیق گیلانی از سادات گیلانی هرات.

۲- منابعی که در آن‌ها سرگذشت جریان‌های سیاسی و اجتماعی افغانستان در سه دهه اخیر انعکاس یافته است. در گزارش فعالیت‌های سیاسی سادات گیلانی کابل از این دسته منابع استفاده شده است.

۳- وبسایت‌های اینترنتی متعلق به نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی؛ که به‌نوعی کارکردهای سادات گیلانی کابل در آن‌ها پوشش داده شده است؛ مانند سایت اینترنتی مجالس سنا و شورای افغانستان.

۴- مصاحبه نگارنده با مرحوم جوهر صدیقی از حقوق‌دانان برجسته افغانستان و معتمد خاندان گیلانی کابل که در طی ملاقات با وی در تابستان سال ۱۳۹۱ ش در مقر حزب محاذ ملی اسلامی افغانستان در کابل با وی صورت گرفته است.

در اخیر باید یادآور گردید که ذکر القاب، عناوین و سمت‌ها، برای شخصیت‌ها در این نگارش با توجه به کارکردها و شهرت دارندگان آن‌ها به این امور بوده که نگارنده به‌دور از حب و بغض متذکر گردیده است.

۱. ریشه‌های عرفانی سادات گیلانی افغانستان

طریقت قادریه منسوب به شیخ عبدالقادر گیلانی (۴۷۰-۵۶۱ ق) یکی از پرطرفدارترین طریقت‌های تصوف در جهان اسلام است. (دهباشی و میرباقری فرد، ۱/ ۱۶۰)، اعقاب شیخ عبدالقادر گیلانی با حاکمان عثمانی پیوند نزدیک داشتند و از این جهت خلفای عثمانی به آن‌ها لقب نقیب‌الاشراف را اعطا نمودند. فرزندان و احفاد شیخ عبدالقادر گیلانی که رهبران قادریه در بغداد بودند، محل رجوع مراجعین و مخلصین از مناطق مختلف جهان اسلام بوده‌اند. این طریقت شعبه‌های فراوانی در مناطق مختلف جهان اسلام دارد و همواره در رأس آن یک نفر از نوادگان و یا از نسل شیخ عبدالقادر گیلانی قرار داشته است. (المحض الکیلانی، ۳۰ با تلخیص و اختصار)، قادریه در افغانستان بعد از طریقت نقشبندی، بیشترین پیروان را دارد. به گزارش منابع تاریخی میر سید سعدالله گیلانی، نخستین فرد از نسل شیخ عبدالقادر گیلانی قادریه را به افغانستان آورده

است. (الحسینی و دیگران، ۲۷۷)

در قرن ۱۶م این فرقه در هند مستقر شد و از این‌جا بود که پشتون‌های غلزائی خصوصاً قبایل سلیمان خیل و خوگیانی به‌سوی آن‌ها جذب شد. (روا، ۷۱)، این طریقت در شمال افغانستان دارای پیرو است، اما مرکزیت قدرتمندی در آن‌جا ندارد. (همان، ۷۳) هرات، کابل و شرق افغانستان مهم‌ترین مراکز قادریه در افغانستان است. در این مناطق برخی گروه‌ها، خاندان‌ها و خانقاه‌ها پیرو این طریقت می‌باشند.

میر سید سعدالله گیلانی، جد سادات گیلانی هرات افغانستان که از اخلاف شیخ عبدالرزاق گیلانی فرزند ارشد شیخ عبدالقادر گیلانی بوده، نخستین کسی بود که در اواخر عمرش به افغانستان آمد و در منطقه سیاهوشان هرات، خانقاه قادریه را تأسیس نمود. ابناء وی تا به امروز، رهبری طریقت عرفانی قادریه را در هرات بر عهده دارند. (گیلانی، ۱۰۳)

کابل یکی دیگر از مهم‌ترین مراکز قادریه در افغانستان است. از زمان راهیابی قادریه در آن‌جا گروه‌ها، خاندان‌ها و خانقاه‌های مشهوری به این طریقت تعلق داشته است. خاندان سادات گیلانی کابل، یکی از تبارهای مشهور روحانی و سیاسی افغانستان است. (همان، ۷۶)

پیر سید حسن گیلانی مشهور به «حضرت نقیب» صاحب اولین عضو خاندان گیلانی کابل بوده که در زمان حاکمیت امیر حبیب‌الله خان (۱۲۸۰-۱۲۹۸ ش) از بغداد به افغانستان کوچید تا طریقت قادریه را در این کشور رهبری کند. (نوید، ۶۸)، گیلانی‌های کابل در آغاز در چهارباغ جلال‌آباد ساکن بودند؛ اما از آن‌جاکه حکام سیاسی از آنان مشورت می‌گرفتند و در عرصه‌های سیاسی فعالیت داشتند به کابل نقل‌مکان کردند. (روا، پیشین، ۶۸)

طریقت قادریه در افغانستان علاوه بر خاندان سادات گیلانی که برای رهبری طریقت قادریه به افغانستان آمده بودند، به‌وسیله دیگر شخصیت‌ها نیز به مریدان و دوستداران این طریقت آموزش داده می‌شده است. برای نمونه شیخ سعدالدین انصاری کابلی از بزرگان عرفان و تصوف افغانستان - مدفون در منطقه ده سبز کابل - علاوه بر آموزش دیگر طریقت‌ها این طریقت را به مریدانش آموزش می‌داده است. (ژوبل، ۲۴)، پیران خانقاه علاءالدین علیای کابل نیز این طریقت را آموزش می‌دهند. (صیقل، ۶۰) پیران خانقاه امام حسین علیه السلام در منطقه بره‌کی شهرآرا کابل،

طریقت اصلی‌شان قادریه است. (همان، ۶۶)، همچنین «بهادرجان آغا» پیر خانقاه و مدرسه عالی عرفانی قلعه کاشف کمپنی و قلعه زمان خان کابل، نویسنده کتاب «گلدسته مقامات بهادریه» علاوه بر دیگر طریقت‌های تصوف طریقت قادریه را در کابل آموزش می‌دهد. (بهادرجان آغا، ۴)

۲. شاخه هرات سادات گیلانی افغانستان

شیخ عبدالقادر گیلانی، ۱۱ فرزند پسر داشت که شیخ عبدالرزاق، بزرگ‌ترین آن‌ها بود. شجره سادات گیلانی هرات، به شیخ عبدالرزاق فرزند ارشد شیخ عبدالقادر گیلانی پایان می‌پذیرد. (گیلانی، پیشین، ۷۶) سادات در جامعه افغانستان به جهت انتسابشان به پیامبر گرامی اسلام ﷺ و حضرت علی علیه السلام از جانب مردم این سرزمین پیر خطاب می‌گردد و از این جهت تبار گیلانی به پیران گیلانی شهرت دارند. (نوید، پیشین، ۹-۲۰)، شجره‌ای که از شیخ عبدالقادر گیلانی در تذکره‌ها و زندگی‌نامه‌اش ذکر شده، نسب وی با دوازده واسطه به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌رسد. عبدالله حسن مثنی و عبدالله نفس زکیه فرزند و نوه امام حسن مجتبی علیه السلام اجداد وی است. (صادقی، ۲۵)، میر سید سعدلله گیلانی، جد سادات گیلانی هرات، از اخلاف شیخ عبدالرزاق گیلانی بوده که در اواخر عمرش به افغانستان آمد و با تأسیس خانقاه قادریه در منطقه سیواوشان در جنوب هرات، در آنجا سکونت دائمی اختیار نمود. (الحسینی و دیگران، پیشین، ۲۲۷)، ریشه سلسله طریقتی وی، به شاخه جنیدیه بغدادیه تعلق داشته و وی اولین عضو فامیل سادات گیلانی بود که در افغانستان، ساکن گردید. (همان، ۱۷)، سادات گیلانی هرات همگی از نسل وی می‌باشند که در این‌جا مهم‌ترین شخصیت‌های این خاندان به همراه فعالیت‌هایشان معرفی می‌گردد.

۲/۱. پیر سید سعدلله گیلانی

پیر سید سعدلله گیلانی فرزند پیر سید حمیدالدین، از احفاد سید عبدالرزاق گیلانی فرزند ارشد شیخ عبدالقادر گیلانی بوده که در اواخر عمر به هرات آمد و شاخه سادات گیلانی هرات را در آن‌جا بنیان گذاشت. وی در علم تفسیر و حدیث، تبحر داشته و طریقت قادریه را در هرات ترویج و آموزش می‌داده است. شاهزاده کامران سدوزائی، فرزند شاه محمود (قتل ۱۲۰۸ ش)، - پادشاه

وقت افغانستان که از معتقدان و مریدان وی گردیده بود- دختر خویش را به عقد وی درآورد. شاهزاده کامران، افرادی را به عنوان خادم وی تعیین نمود و منازلی را در جنب مسجد جامع هرات در اختیار او قرار داد و تعداد اراضی را در منطقه غوران بائی هرات، وقف وی و فعالیت های عرفانی اش کرد. سرانجام وی در هرات از دنیا رفت و در مزار ملاحسن مجذوب، در منطقه خیابان هرات دفن گردید. تاریخ درگذشت وی نامشخص است اما به احتمال زیاد وی بین سالیان ۱۲۱۰-۱۲۳۰ ش، در دوران درگیری های شاه محمود درانی و شاه شجاع درانی بر سر تصاحب قدرت، در گذشته است. (همان، ۲۲۸)

۲/۲. پیر سید محمد شریف قادری

پیر سید محمد شریف قادری فرزند پیر سید سعدلله گیلانی در سال ۱۲۱۲ ش در شهر هرات متولد شد. علوم رایج را در هرات فراگرفت و بعد از مرگ پدرش به همراه برادرش به سیاوشان هرات کوچید. سید محمد شریف قادری با سکونت در سیاوشان، محل رجوع دوستداران و پیروان طریقت قرار گرفت. وی شاگردان و مریدانی را که در سیاوشان به زیارتش می آمدند، تربیت می کرده است. از وی در برخی منابع، کراماتی نقل شده است. سید محمد شریف قادری دو مرتبه به حج رفت. سرانجام در سال ۱۲۷۸ ش در سن ۶۳ سالگی درگذشت و در حظیره خواجه روشنایی سیاوشان هرات دفن گردید. (همان، ۲۳۰)

۲/۳. پیر سید محمدنجیب قادری

پیر سید محمدنجیب قادری فرزند سید سعدلله گیلانی در شهر هرات متولد شد. با فراگیری علوم رایج زمانش به شعر و ادبیات عرفانی متمایل گردید. وی با حضور در مجالس عالمان و عارفان هرات، از جمله برادر ارشدش سید محمدشریف قادری، شخصیت علمی و عرفانی اش را تقویت نمود. برخی از اشعار وی در تذکره های عرفانی و نیز در دیوارهای برخی از مزارات و اماکن هرات موجود است. سید محمدنجیب قادری با سفر به مکه و مدینه، حرمین شریفین را زیارت و در سال ۱۲۷۳ ش در گذشت و در مزار خواجه روشنایی سیاوشان هرات دفن شد. (همان، ۲۳۱)

۲/۴. پیر سید محمدشاه گیلانی

پیر سید محمدشاه گیلانی مشهور به «آقا اولیاء صاحب سیاوشان» چهارمین شخصیت مشهور سادات گیلانی هرات است که از تولد و درگذشتش خبری نیست. وی در دوره حیاتش به امور عبادی و فعالیت‌های اجتماعی اشتغال داشته به این جهت مردم سیاوشان، لقب اولیاء را به وی داده‌اند. مزار وی در دشت یلان هرات است. (گیلانی، پیشین، ۱۰۱)

۲/۵. پیر سید محمد منیرشاه گیلانی

پیر سید محمد منیرشاه گیلانی فرزند سید محمدشاه گیلانی، پنجمین شخصیت مشهور سادات گیلانی هرات است که مسند رهبری خانقاه قادریه سیاوشان را بر عهده داشته است. وی علاوه بر رهبری طریقت، به فعالیت‌های اجتماعی و تبلیغی اهتمام می‌ورزیده است. وی از فعالان قیام مجاهدین هرات در ۲۴ اسفند ۱۳۵۷ ش علیه رژیم کمونیستی در سیاوشان بوده که بعد از قیام مورد تعقیب رژیم کمونیستی قرار گرفت و بعد از دستگیری تا سال ۱۳۶۴ ش زندانی گردید. وی بعد از آزادی به جمهوری اسلامی ایران مهاجرت نمود. در سال ۱۳۷۵ ش بعد از پیروزی مجاهدین به افغانستان بازگشت که بر اثر مرض قلبی درگذشت و در کنار پدرش در دشت یلان سیاوشان دفن شد. از وی شش پسر باقی‌مانده است، که از آن میان سید محمدرقیق گیلانی، نویسنده کتاب **جلوه‌های عرفان** به فعالیت‌های عرفانی مشغول است. (همان، ۱۰۳)

۳. شاخه کابل سادات گیلانی افغانستان

سلسله نسب سادات گیلانی کابل به شیخ عبدالعزیز گیلانی دومین فرزند شیخ عبدالقادر گیلانی پایان می‌پذیرد. (همان، ۷۶)، پیر سید حسن گیلانی، مشهور به «حضرت نقیب صاحب چهارباغ» فرزند سید علی گیلانی فرزند سید سلیمان گیلانی در بغداد به دنیا آمد. وی در آغاز با برادرش در عراق ساکن بود؛ اما در زمان حاکمیت امیر حبیب‌الله خان (۱۲۸۰-۱۲۹۸ ش) از بغداد به افغانستان کوچید؛ تا طریقت قادریه را در این کشور رهبری کند. (نوید، پیشین، ۳۸)، سرانجام در سال ۱۳۲۵ ش در چهارباغ جلال‌آباد ننگرهار، از دنیا رفت. (روا، پیشین، ۶۸)، وی پایه‌گذار سلسله سادات گیلانی در شرق و مرکز افغانستان بوده که از وی سه فرزند به نام‌های

سید احمد گیلانی (افندی جان)، فاطمه گیلانی (متوفی ۱۳۹۰ ق در بغداد) و سید علی گیلانی (شیرآغا جان) برجای ماند. (گروه پژوهش‌های سینا، ۶۷۳)، از آنجا که شاخه کابل سادات گیلانی افغانستان، نسبت به شاخه هرات، دارای فعالیت گسترده و از شهرت بیشتری برخوردار بوده، شخصیت‌ها و فعالیت‌های آنان در زیر معرفی می‌گردد.

۳/۱. شخصیت‌ها

بعد از پیر سید حسن گیلانی، رهبری عرفانی و مذهبی طریقت قادریه به فرزندان وی پیر سید علی گیلانی (شیرآغا جان) و پیر سید احمد گیلانی (افندی جان) منتقل گردید. افراد زیر مهم‌ترین چهره‌های شناخته‌شده این خاندان در افغانستان بوده که از جنبه‌های مختلف سیاسی، مذهبی و فرهنگی - اجتماعی دارای شهرت می‌باشند.

۳/۱/۱ پیر سید علی گیلانی

پیر سید علی گیلانی مشهور به (شیرآغا جان) فرزند ارشد پسری «حضرت نقیب صاحب» بوده که بعد از وفات پدرش از سال ۱۳۲۵ الی ۱۳۴۱ ش بزرگ این خاندان بوده است. از تحصیلات، آثار و فعالیت‌های وی اطلاعی در دست نیست. با وفات وی در سال ۱۳۴۱ ش، رهبری طریقت قادریه و زعامت فرهنگی و اجتماعی خاندان سادات گیلانی کابل، به برادر وی پیر سید احمد گیلانی (افندی جان) منتقل گردید.

۳/۱/۲ پیر سید احمد گیلانی

پیر سید احمد گیلانی (افندی جان) در سال ۱۳۱۰ ش، در شهر کابل به دنیا آمد. تحصیلاتش را در دیبرستان ابوحنیفه کابل و سپس در دانشکده شرعیات دانشگاه کابل به پایان رساند. وی با دختری از قبیله محمدزائی ازدواج کرد. (روا، پیشین، ۶۸)، سید احمد گیلانی همزمان با رهبری طریقت به فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی نیز دست زد؛ که از آن جمله، نمایندگی کمپنی پژوی فرانسه را در کابل به دست داشت. وی هم‌چنین تا سال ۱۳۵۲ ش - تا پایان پادشاهی محمد ظاهرشاه - مشاور غیررسمی او بود. (همان، ۶۸ و گروه پژوهش‌های سینا، ۶۷۲)، بعد از کودتای هفتم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۷ ش، بر اثر مخالفت با رژیم کمونیستی به پاکستان مهاجرت کرد و

با تأسیس حزب محاذ ملی اسلامی به جمع مجاهدین پیوست.

وی یکی از رهبران احزاب هفتگانه مجاهدین در پاکستان بود و پس از سقوط حکومت دکتر نجیب‌الله در سال ۱۳۷۰ ش و با روی کار آمدن مجاهدین به‌عنوان «وزیر خارجه مجاهدین» فعالیت می‌کرد؛ اما بعدها با کنار رفتن برهان‌الدین ربانی از قدرت وی نیز از حکومت مجاهدین تحت ریاست ربانی فاصله گرفت. با سقوط گروه طالبان در سال ۱۳۸۰ ش و روی کار آمدن نظام جدید به رهبری حامد کرزای، پیر سید احمد گیلانی با توجه به بالا رفتن سن از سیاست کناره گرفته اما در تصمیمات مهم کشوری، وی نیز مانند سایر اشخاص متنفذ و مهم، مورد توجه حکومت است.

۳/۱/۳ پیر سید حامد گیلانی

سید حامد گیلانی فرزند پیر سید احمد گیلانی، در سال ۱۳۳۴ ش، در «کارته نقیب کابل» به دنیا آمد. دوره متوسطه را در دبیرستان حبیبیه کابل سپری نموده و تا سال ۱۳۵۳ ش در وزارت عدلیه افغانستان، مشغول به کار بود. سپس تحصیلاتش را در رشته‌های زبان و ادبیات عربی، علوم سیاسی و شرعیات به ترتیب در دانشگاه‌های الازهر مصر، دانشگاه ملی «شهید بهشتی» ایران و دانشگاه بین‌المللی اسلام‌آباد پاکستان در مقاطع لیسانس و فوق‌لیسانس تا سال ۱۳۶۵ ش، به پایان رساند. وی از سال ۱۳۵۷ ش تا حال، معاون «حزب محاذ ملی اسلامی افغانستان» است. سید حامد تا سال ۱۳۸۰ ش، از چهره‌های مطرح در میان مجاهدین بوده است.

بعد از سقوط رژیم طالبان، سید حامد گیلانی از امضاء کنندگان موافقت‌نامه بن^۱ اول^۱ بوده و از سال ۱۳۸۴ ش تا سال ۱۳۸۹ ش، به‌عنوان سناتور انتصابی و نایب اول مجلس سنای افغانستان، فعالیت کرده است. وی به کشورهای مختلف جهان، سفر نموده و به زبان‌های پشتو، دری، عربی و انگلیسی صحبت می‌کند. (وبسایت اینترنتی مجالس سنا و شورای افغانستان)، پیر سید حامد، در سال ۱۳۸۹ ش از جانب حامد کرزای رئیس‌جمهور وقت افغانستان، به‌عنوان وزیر اقوام و قبایل به پارلمان افغانستان معرفی شد، ولی برای تصدی این پست رأی لازم را نتوانست کسب

^۱ - نشست مهم و سرنوشت‌ساز سیاست‌یون افغانستان در سال ۱۳۸۰ ش در نواحی شهر بن کشور آلمان برای تشکیل دولت پساتالبان در افغانستان که زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام پساتالبان در افغانستان منجر شد.

کند. (وبسایت اینترنتی شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان)، وی بعد از پدرش سید احمد، مهم‌ترین شخصیت دارای احترام این خاندان، میان حکومت و مردم است.

۳/۱/۴ پیر سید اسحاق گیلانی

سید اسحاق گیلانی فرزند پیر سید علی گیلانی، در سال ۱۳۳۱ ش، در شهر نو کابل به دنیا آمد. تحصیلاتش را تا دوره متوسطه در کابل گذراند و لیسانس را در رشته حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران به پایان رساند. سید اسحاق گیلانی در طول سال‌های جهاد اسلامی افغانستان علیه روس‌ها، در کنار عمویش پیر سید احمد گیلانی در حزب محاذ ملی اسلامی، نقش فعال داشته و نقش‌های گوناگونی را در ائتلاف‌های مجاهدین بر عهده داشته و از امضاکنندگان اجلاس بن اول بوده است. بعد از سقوط رژیم طالبان، وی در سال ۱۳۸۴ ش در اولین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، شرکت کرد؛ ولی بعداً از صحنه رقابت کنار کشید.

وی در طی سالیان ۱۳۸۵-۱۳۸۹ ش طی دو دوره به‌عنوان نماینده مردم پکتیکا، به پارلمان جمهوری اسلامی افغانستان راه یافت. (وبسایت اینترنتی مجالس سنا و شورای افغانستان) سید اسحاق گیلانی در سال ۱۳۹۲ ش در دومین انتخابات ریاست جمهوری کشور، کاندید نمود؛ اما کمسیون مستقل انتخابات افغانستان، وی را رد صلاحیت نمود. وی از چهره‌های شناخته‌شده در عرصه سیاسی افغانستان است و هرازگاهی مصاحبه‌های وی در رسانه‌های معتبر داخلی و خارجی در عرصه‌های مختلف منتشر می‌گردد.

۳/۱/۵ فاطمه گیلانی

فاطمه گیلانی فرزند پیر سید احمد گیلانی در سال ۱۳۳۳ ش در شهر کابل به دنیا آمد. طی سالیان ۱۳۳۹-۱۳۵۰ ش دوره دبیرستان را در دبیرستان ملالی کابل به پایان رساند. بعد از اتمام دبیرستان در کابل، در سال ۱۳۵۴ ش دوره لیسانس را در دانشگاه ملی ایران در تهران، «دانشگاه شهید بهشتی فعلی» در رشته‌های تاریخ اسلام و علوم سیاسی گذراند. وی دوره کارشناسی ارشد را در دو رشته حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه علوم اسلامی لندن انگلستان^۱، سپری نموده و

^۱ - «Muslim College»

همچنین در مقطع کارشناسی ارشد در رشته عرفان و تصوف با گرایش طریقت قادریه در دانشگاه آکسفورد تحصیل نمود. وی دو کتاب با عنوان: بررسی شخصیت و اندیشه‌های محمد موسی شفیق صدراعظم دوره ظاهر شاه، به زبان فارسی و مساجد شهر لندن، به زبان انگلیسی تألیف نموده است.

فاطمه گیلانی بعد از اتمام تحصیلات، به فعالیت‌های سیاسی روی آورد و تاکنون یکی از زنان فعال در جامعه افغانستان بوده است. وی در دوران جهاد اسلامی افغانستان علیه روس‌ها، سخنگوی مجاهدین و از زنان صاحب اندیشه و قلم بوده که در مذاکره سیاسی و اجلاس‌ها از جایگاه مجاهدین دفاع می‌کرده است. وی در دوران جهاد با نشر مقالات مختلف در مطبوعات داخلی و خارجی، به معرفی جهاد اسلامی افغانستان پرداخت. در عرصه اجرایی نیز، وی از پیشتازان خدمت به اطفال و معالجه مجاهدین زخمی بوده است. (تنویر، ۲۲۳)، در سال ۱۳۸۰ ش با سقوط نظام طالبان، وی در اجلاس بُن‌اول، کمیسیون قانون اساسی، لویه جرگه‌های اضطراری و قانون اساسی عضویت داشته است. از سال ۱۳۸۴ ش تا زمان حاضر، رئیس عمومی جمعیت هلال احمر افغانستان است. (وبسایت اینترنتی جمعیت هلال احمر افغانستان)

۳/۱/۶ پیر سید ابراهیم گیلانی

پیر سید ابراهیم گیلانی، فرزند پیر سید علی گیلانی، در سال ۱۳۲۸ ش در شهر نو کابل به دنیا آمد. دبیرستان را در سال ۱۳۴۸ ش، در لیسه نادریه شهر کابل، به پایان رساند. در سال ۱۳۵۱ ش از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل، در مقطع لیسانس فارغ گردید. در سال ۱۳۵۶ ش در رشته روابط بین‌الملل از دانشگاه نیویورک، فوق‌لیسانس گرفت. وی در دوران جهاد اسلامی افغانستان علیه روس‌ها، به‌عنوان فرمانده کل نیروهای مجاهدین در ولایات پکتیا و زابل افغانستان، فعالیت می‌کرد. (وبسایت اینترنتی رجال خاورمیانه)

سید ابراهیم گیلانی از سال ۱۳۷۲-۱۳۷۵ ش، به‌عنوان سفیر دولت اسلامی افغانستان در اتریش و نماینده افغانستان در سازمان ملل متحد، ایفای وظیفه نمود. وی هنگام اختلاف میان اقوام هزاره و پشتون در ولایات زابل، غزنی و ارزگان به‌عنوان میانجی میان آن‌ها، عمل نموده است. سید ابراهیم گیلانی به زبان‌های پشتو، دری و انگلیسی، تسلط دارد و مدت پانزده سال در

ایالات متحدهی امریکا زندگی و در دوران جهاد، مدتی را در پاکستان اقامت داشته است. وی در انتخابات سال ۱۳۸۴ ش پارلمان افغانستان، از طرف شورای استانی زابل به عنوان سناتور انتخاب شد. (وبسایت اینترنتی مجالس سنا و شورای افغانستان)

۳/۱/۷ فتانه گیلانی

فتانه گیلانی فرزند پیر سید احمد گیلانی و همسر پیر سید اسحاق گیلانی در سال ۱۳۳۳ ش در کارته نقیب کابل به دنیا آمد. از تحصیلات وی، اطلاعاتی در دست نیست. وی در سال ۱۳۵۷ ش به علت مخالفت با رژیم کمونیستی به پاکستان مهاجرت کرد و در آنجا فعالیت‌های انسانی خود را -در دهه ۶۰ ش- با تأسیس مراکز خدمات بهداشتی، درمانی، تحصیلی و فرهنگی برای مهاجرین افغان شروع کرد. در سال ۱۳۶۵ ش، «انجمن زنان افغانستان» را تأسیس کرد و فعالیت‌های حقوق بشری خود را شروع نمود. ریاست «شورای تفاهم» و مؤسس نشریه «ماهنامه زن افغان» در پیشاور در دوران جهاد اسلامی، از دیگر فعالیت‌های وی است. (تویر، پیشین، ۲۲۴)، در حال حاضر، فتانه گیلانی از فعالان حقوق زنان در افغانستان و رئیس مرکز فرهنگی، سیاسی، اجتماع زنان افغانستان است که برای آگاهی زنان، بهبود وضعیت معیشت و اقتصاد آنان فعالیت می‌کند. (وبسایت اطلاعات رجال خاورمیانه)

۳/۲. جایگاه و فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی

سادات گیلانی کابل، سادات فاطمی نسب هستند که به لحاظ مذهبی اهل سنت و پیرو فقه حنفی می‌باشند. آنان از زمان ورود پیر سید حسن گیلانی (حضرت نقیب صاحب) به افغانستان^۱ تا زمانی که پیر سید احمد گیلانی به‌طور جدی وارد سیاست نشده بود^۲، رهبری طریقت قادریه را که طریقت آبائی آنان بوده در مناطق جنوبی و مشرقی افغانستان، بر عهده داشتند. (مارسدن، ۱۰)، سادات گیلانی کابل، به دلیل دارا بودن ریشه عرفانی و نیز سیادت، از جانب مردم افغانستان پیر

^۱ - سال ورود پیر سید حسن گیلانی مشهور به حضرت نقیب صاحب از عراق به افغانستان دقیقاً مشخص نیست اما در زمان حاکمیت امیر حبیب‌الله خان یعنی طی سالیان ۱۲۸۰-۱۲۹۸ ش بوده است.

^۲ - اوج فعالیت اسلام‌گرایان «که خاندان گیلانی نیز در زمره آنان قرار داشته‌اند» در افغانستان از سال ۱۳۵۷ ش با کودتای حزب دموکراتیک خلق افغانستان که به نابودی جمهوری داوود خان و ورود شوروی به افغانستان منجر شد آغاز گردید.

خطاب می‌کردند. شاهان افغانستان به‌ویژه امیر حبیب‌الله خان، امان‌الله خان و ظاهر شاه، به‌طور قابل‌توجهی به «حضرت نقیب صاحب» و فرزندان وی احترام قائل بودند. (مصاحبه نگارنده با مرحوم جوهر صدیقی، ۱۳۹۳/۵/۲۵ ش)

با ورود حضرت نقیب به افغانستان، امیر حبیب‌الله خان، در شهر جلال‌آباد ننگرهار، اراضی و باغاتی را در اختیار او قرار داد و مستمری شاهانه برایش تعیین نمود. امان‌الله خان در کابل، «حرم باغ» را که در کارته نقیب فعلی در جوار وزارت داخله افغانستان است، به وی اهدا نمود. (نوید، پیشین، ۳۹)، بعد از وفات پیر سید حسن گیلانی و پیر سید علی گیلانی (شیرآغا جان)، سید احمد گیلانی (افندی جان) با دختری از قبیله محمدزائی ازدواج نمود و طریقت قادریه را در میان قبایل کوچی در ولایت‌های جنوبی و مشرقی افغانستان، گسترش داد. بر اساس نظریه «اولیور روا» اسلام‌شناس و افغانستان‌شناس فرانسوی، پیروان قادریه میان قبایل پشتون، از نوع «مارابوتیسم» هستند. طبق نظر وی «مارابوتیسم» یعنی متابعت جمعی یک طایفه یا یک قبیله از یک خانواده مقدس که برکت در میان آن‌ها موروثی و وجود آن موجب تقدس جامعه است. در این نوع متابعت، از تفکر و آشنایی با طریقت خبری نیست و پیروان طریقت بیشتر مخلص هستند تا مرید. (روا، پیشین، ۶۸)

سادات گیلانی کابل، علاوه بر ریشه‌های عرفانی خانوادگی، به جهت سیادتشان نیز از احترام قابل‌توجهی در میان مردم افغانستان برخوردارند؛ زیرا سادات از دیرزمان یکی از پرنفوذترین گروه‌های مذهبی در میان مسلمانان شیعه و اهل سنت افغانستان بوده است. سادات با آن که ریشه عربی دارند، امروزه به‌طور گسترده در میان گروه‌های نژادی این کشور گسترش یافته‌اند. آن‌ها بیشتر با همان گروه نژادی که بیشتر در تماس بوده، شناخته می‌شوند. (ارزگانی، ۱۷۷)، سادات گیلانی کابل نیز، از آن‌جا که از بدو ورود به افغانستان با باشندگان پشتون افغانستان، تعاملات و ارتباطات بیشتری داشته‌اند، در عرف عمومی مردم، هویت قومی و نژادی آنان با هویت قومی و نژادی پشتون‌های افغانستان پیوند یافته است. مادر پیر سید احمد گیلانی و همسر وی از قبایل پشتون بوده است. (سیستانی، ۳۹)

سادات گیلانی کابل تا قبل از جنگ‌های داخلی با جایگاه عالی که در میان اقوام اهل سنت

افغانستان داشتند، با بزرگان شیعه - به‌ویژه در شهر کابل - تعامل نیکی داشته‌اند. پیر سید حسن گیلانی، پیر سید علی گیلانی و پیر سید احمد گیلانی با مرحوم آیت‌الله میر سید علی احمد حجت کابلی، مرحوم میرعلی اصغر شعاع، مرحوم علامه سید اسماعیل بلخی، مرحوم شهید محمدحسین نهضت و ... در ارتباط بوده‌اند؛ و مولانا صدیقی، عالم و محدث مشهور اهل سنت افغانستان، پدر آقای جوهر صدیقی، مشاور حضرت نقیب بوده است. (مصاحبه نگارنده با جوهر صدیقی پیشین)

با سقوط نظام طالبان در سال ۱۳۸۰ ش و روی کار آمدن نظام جدید، خاندان گیلانی کابل نیز در کنار سایر شخصیت‌های تأثیر گزار در برنامه‌های مهم فرهنگی و اجتماعی کشور، همراه بوده‌اند. آنان در برنامه‌هایی که مرتبط با وحدت ملی و اخوت اسلامی جامعه بوده، با دیگر افراد هماهنگ بوده‌اند. خانم‌ها؛ فاطمه گیلانی، فتانه گیلانی و مریم گیلانی دختران پیر سید احمد گیلانی با توجه به وظایف و فعالیت‌های که داشته‌اند در برخی عرصه‌ها از جمله حقوق بشر، زنان، کودکان، فعالیت داشته‌اند.

۳/۳. جایگاه و فعالیت‌های سیاسی

تحولات و دگرگونی‌های چند دهه اخیر در افغانستان، شخصیت‌ها و گروه‌های مختلف این کشور را به جهت‌گیری در مقابل این حوادث، وادار نموده است. سادات گیلانی کابل که یکی از گروه‌های دخیل در تاریخ سیاسی افغانستان معاصر است، با آن‌که در اصل یک تبار عرفانی بودند؛ اما با ورود به عالم سیاست در زمان حاضر، بیشتر به فعالیت‌های سیاسی‌شان شهرت دارند. فعالیت‌های سیاسی این خاندان را در افغانستان معاصر به چهار دوره زیر می‌توان تقسیم نمود.

۳/۳/۱. از آغاز ورود به افغانستان تا روی کار آمدن رژیم کمونیستی (۱۲۷۹-۱۳۵۷ ش)

پیر سید حسن گیلانی در آغازین سال‌های ورود به افغانستان، بیشتر در عرصه فعالیت‌های عرفانی و مذهبی متمرکز بوده؛ اما با قتل امیر حبیب‌الله خان در سال ۱۲۹۸ ش، عملکرد وی نیز به‌عنوان یک شخصیت تأثیرگذار در قضایای بعد از قتل امیر حبیب‌الله خان، در تاریخ معاصر کشور، مهم شمرده شده است. بعد از قتل امیر حبیب‌الله خان، دو جناح محافظه‌کار و مذهبی به رهبری سردار نصرالله خان برادر امیر حبیب‌الله خان و جناح ملی‌گرایان به رهبری امان‌الله خان

فرزند حبیب‌الله خان، رو در روی هم قرار گرفت، در نتیجه شخصیت‌های برجسته کشوری و لشکری به یکی از این دو جناح پیوستند. بر اساس گزارش برخی منابع تاریخی، پیر سید حسن گیلانی نیز در جناح شخصیت‌های متنفذ دینی و سیاسی قرار داشته که سردار نصرالله خان را در جلال‌آباد به جانشینی امیر حبیب‌الله خان تعیین نموده بودند. (نوید، پیشین، ۶۲)

با زندانی شدن سردار نصرالله خان و روی کار آمدن امان‌الله خان - در طی دوران جنگ‌های استقلال و اصلاحات دوران امانی - از فعالیت‌های سیاسی سید حسن گیلانی (حضرت نقیب) در منابع چیزی ذکر نشده؛ اما با پیش آمدن اغتشاش حبیب‌الله بچه سقا و سقوط پادشاهی امان‌الله خان در سال ۱۳۰۸ ش گفته شده که وی به همراه برخی شخصیت‌های متنفذ دیگر از پادشاهی علی احمدخان (نماینده امان‌الله خان در سرکوب شورشیان قبایل مشرقی) حمایت کرده است. (فرهنگ، ۱/ ۵۷۹)، اما بعدها حضرت نقیب، این مسئله را رد نموده است. (نوید، پیشین، ۲۲۱)، در دوره پادشاهی نادرشاه و دوران نخست پادشاهی محمد ظاهرشاه که هاشم خان و شاه محمود عموهای ظاهرشاه صدراعظم او بودند و در دوره صدارت داوود خان، از فعالیت‌های سیاسی خاندان گیلانی چیزی ذکر نشده است؛ البته برخی گفته‌اند که، پیر سید احمد در دوره ظاهرشاه از مشاوران غیررسمی او بوده است.

۳/۳/۲. از حاکمیت رژیم کمونیستی تا سقوط امارت طالبان (۱۳۵۷ - ۱۳۸۰ ش)

با کودتای حزب دموکراتیک خلق در هفتم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۷ ش و روی کار آمدن نظام کمونیستی در افغانستان، اسلام‌گرایان افغانستان، دو کشور ایران و پاکستان را پایگاه مبارزات سیاسی خویش قرار دادند. احزاب هفت‌گانه اهل سنت در پشاور پاکستان و احزاب هشت‌گانه شیعه در ایران، مقیم شدند. در پاکستان، احزاب سیاسی مختلفی به وجود آمد و ائتلاف‌های پی‌درپی که منجر به شکست می‌گردید، زمینه نهایی‌سازی ائتلاف هفت‌گانه را قطعی نمود. حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، حزب اسلامی یونس خالص، جمعیت اسلامی برهان‌الدین ربانی، اتحاد اسلامی عبدالرب رسول سیاف، حرکت انقلابی اسلامی مولوی غلام نبی محمدی، محاذ ملی اسلامی پیر سید احمد گیلانی و جبهه ملی نجات اسلامی صبغت‌الله مجددی، احزاب هفت‌گانه‌ای بودند که از میان سایر احزاب مقیم در پشاور پاکستان در سال ۱۳۶۷ ش، ائتلاف

«اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان» را که به ائتلاف هفتگانه معروف شد، تشکیل دادند. (اندیشمند، ۲۶)

در بهار ۱۳۶۸ ش، حکومت موقت مجاهدین در پاکستان به ریاست احمدشاه احمدزی و معاونت گلبدین حکمتیار که رییس اتحادیه هفتگانه مجاهدین مقیم پاکستان بود، تأسیس گردید. پس از دوره ریاست حکمتیار پیر سید احمد گیلانی به عنوان رییس اتحاد هفتگانه، تعیین گردید. (سجادی، ۱۵۰-۱۶۷)، مجاهدین با تمام اختلافات که داشتند، -در سال ۱۳۷۱ ش- قدرت را به ریاست صبغت‌الله مجددی از دکتر نجیب‌الله- آخرین رئیس جمهور کمونیست‌ها- تحویل گرفتند.

پیر سید احمد گیلانی و حزیش، که در تمام این مدت در کنار مجاهدین حضور داشت، در دوره حکومت دوماهه صبغت‌الله مجددی، به عنوان وزیر امور خارجه تعیین گردید. (فرزام، ۶۳)، در دوره حکومت چهارماهه برهان‌الدین ربانی، وزارت مهاجرین و عودت کنندگان و چند وزارت و ریاست دیگر به حزب محاذ ملی اسلامی تعلق داشت. (همان، ۶۵-۷۵)، با اتمام دوره چهارماهه برهان‌الدین ربانی و کنار نرفتن او از قدرت، اختلافات سیاسی و نظامی میان مجاهدین شدت یافت.

همزمان با درگیری‌های داخلی میان گروه‌های مجاهدین، قدرت جدیدی به وجود آمد، که خود را طالبان معرفی نمودند. آنان، هدفشان را مبارزه با گروه‌های شر و فساد اعلام داشتند. طالبان تا سال ۱۳۷۷ ش به استثنای پنجشیر و قسمت‌های از شمال کشور، تمامی نقاط افغانستان را تصرف نمودند. گروه طالبان با بنیادگرایی که داشتند، نتوانستند مقبولیت جهانی را به دست آورند. در نتیجه حکومت‌داری آنان، مورد انتقاد قدرت‌های جهانی قرار گرفت. با حملات یازدهم سپتامبر -که عامل آن گروه القاعده معرفی گردید- شورای امنیت سازمان ملل متحد به دلیل همدستی گروه طالبان با القاعده، دستور حمله به افغانستان را صادر کرد و در نتیجه پیمان آتلانتیک شمالی و ایالات متحده آمریکا با حمله به افغانستان، به حکومت خشن چندساله آنان در سال ۱۳۸۱ ش پایان بخشید. (مارسدن، پیشین، ۵۹-۶۵)

۳/۳/۳. از سقوط گروه طالبان تا امروز (۱۳۸۱-۱۳۹۳ ش)

در اواخر امارت اسلامی طالبان، اکثریت سران احزاب سیاسی مخالف گروه طالبان، به خارج از افغانستان پناه بردند. سران برجسته حزب محاذ ملی اسلامی به رهبری پیر سید احمد گیلانی، که به اعتقاد بسیاری از نویسندگان بعد از آزادی افغانستان به روی کار آمدن محمد ظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان معتقد بوده؛ اما با پیدایش و گسترش طالبان این ایده وی تحقق نیافت، در نتیجه وی و اعضای برجسته حزبی به اروپا مهاجرت نمودند. (گروه پژوهش‌های سینا، پیشین، ۶۷۲)، بعد از حملات یازدهم سپتامبر و مخالفت‌های شدید جهانی با گروه طالبان و حکومت ظالمانه آنان، سران احزاب سیاسی افغانستان که در خارج از افغانستان در تبعید بودند، به سقوط حتمی این نظام به باور رسیدند. در نتیجه برای سهم داشتن در آینده سیاسی کشور و جبران اشتباهات دوران جنگ‌های داخلی، برخی اقدامات را روی دست گرفتند.

پیر سید احمد گیلانی و طرفداران وی در حزب محاذ ملی اسلامی، در شکل‌گیری نظام بعد از طالبان، با سایر رهبران سیاسی همراه بوده است. وی در ۱۳۸۰ ش با هیئت همراهش در شهر پیشاور پاکستان، نشستی را با حضور چند صد نفر از نمایندگان سیاسی از خارج کشور، شامل: نیروهای ضد طالبان و سلطنت‌طلب‌ها، تشکیل داد تا درباره حکومت فراگیر در آینده کشور تصمیم‌گیری کنند. رهبری این جلسه دوازده بر عهده پیر سید احمد گیلانی بوده است. بنا بر اعتقاد برخی نویسندگان، هدف از برگزاری این جلسه، روی کار آمدن ظاهرشاه و پشتوانه آن کشور پاکستان بوده است. (فرزان، پیشین، ۵۶۶).

همچنین در نشست تدویر لوی جرگه اضطراری - آذرماه ۱۳۸۰ ش در رم ایتالیا - که با حضور محمد ظاهرشاه و طرفداران وی، شخصیت‌های برجسته سیاسی داخلی و خارجی به‌استثناء نمایندگان طالبان و جبهه متحد برگزار شد، پیر سید احمد گیلانی و خانم فاطمه گیلانی در آن حضور داشتند. (همان، ۶۶۰)، عبدالحق برادر حاجی عبدالقدیر از همکاران پیر سید احمد گیلانی بوده که در نشست‌های صلح در پیشاور پاکستان و در رم ایتالیا، حضور داشته و قبل از سقوط گروه طالبان به میان پشتون‌های لوگر رفته تا آنان را علیه طالبان بسیج کند، ولی توسط طالبان دستگیر و اعدام گردید. (همان، ۶۲۱)، در اجلاس بن اول - که در ۶ آذر ۱۳۸۰ ش توسط سازمان

ملل متحد در حومه شهر بن آلمان برگزار شد- برای نخستین بار شخصیت‌های برجسته سیاسی افغانستان به نمایندگی از چهار گروه، نمایندگان جبهه متحد اسلامی افغانستان^۱، نمایندگان طرفداران محمد ظاهرشاه^۲، نمایندگان گروه قبرس^۳ و نمایندگان گروه پیشاور^۴ در آن حضور داشتند. در این نشست، نمایندگان گروه‌های فوق به تشکیل حکومت بعد از طالبان به توافق رسیدند و ناظر آن سازمان ملل متحد، اروپا و ایالات متحده آمریکا و نمایندگان کشورهای مهم اسلامی و همسایه‌های افغانستان بوده است. از گروه پیشاور در این نشست، سید حامد گیلانی و فاطمه گیلانی فرزندان پیر سید احمد گیلانی، حفیظ الله محسنی، انورالحق احدی، رحمت‌الله موسی غازی، عبدالکریم خرم و حاجی عطا محمد الکوزی حضور داشتند. (فرزان، پیشین، ۶۴۶)

در این نشست اعضای کابینه دولت موقت از احزاب مختلف سیاسی افغانستان، انتخاب و ریاست آن به حامد کرزای واگذار گردید. از سال ۱۳۸۰-۱۳۹۲ ش در دولت‌های موقت، انتقالی، ریاست جمهوری اول و دوم حامد کرزای، لوی جرگه‌های اضطراری، تصویب قانون اساسی، مرکب از نمایندگان اقوام و مذاهب افغانستان برگزار شد، مجلس نمایندگان، مجلس سنا، شوراهای استانی، ارتش ملی و نیروهای امنیتی شکل گرفت. خاندان گیلانی شامل خانم‌ها فاطمه گیلانی، فتانه گیلانی و آقایان پیر سید احمد گیلانی، پیر سید حامد گیلانی، سید اسحاق گیلانی و پیر سید ابراهیم گیلانی- همان‌طور که در بخش شخصیت‌های این خاندان گفته شد- در متن سیاست حضور داشتند.

۳/۳/۴. حزب محاذ ملی اسلامی افغانستان

حزب محاذ ملی اسلامی افغانستان^۵ که مهم‌ترین پایه فعالیت‌های سیاسی خاندان گیلانی

^۱- شامل نمایندگان احزاب جمعیت اسلامی، جنبش ملی اسلامی، حرکت اسلامی و حزب وحدت اسلامی که نیروهایشان در داخل افغانستان در حال مبارزه با گروه طالبان بودند.

^۲- مشهور به گروه روم.

^۳- گروه قبرس از جانب حضرت صبغت‌الله مجددی، همایون جریر داماد گلبدین حکمتیار و پیر سید اسحاق گیلانی درباره آینده سیاسی افغانستان بعد از طالبان با حضور برخی دیگر شخصیت‌های سیاسی کشور قبل از کنفرانس رم در قبرس ترکیه برگزار گردیده بود.

^۴- پیر سید احمد گیلانی و طرفدارانش که نشست پیشاور را قبل از نشست‌های بن و روم برگزار کرده بودند.

^۵- National Islamic Front of Afghanistan

کابل است، در سال ۱۳۵۸ ش در پیشاور پاکستان توسط پیر سید احمد گیلانی، تأسیس گردید. وی با تشکیل محاذ ملی اسلامی، هواداران و مریدانش را در مناطق مشرقی و جنوبی کشور به جهاد و مقاومت علیه حکومت حزب دموکراتیک خلق و تجاوز نظامی شوروی، دعوت کرد. در مورد ماهیت حزب محاذ ملی، دیدگاه‌های سیاسی پیر سید احمد گیلانی و اعضای برجسته حزیش در دوره جهاد اسلامی، دیدگاه‌های متفاوتی از جانب نویسندگان متأخر ارائه شده است. طبق نظر برخی منابع، پیر سید احمد گیلانی در میان رهبران احزاب هفتگانه، هوادار زعامت و حاکمیت مجدد محمد ظاهر، شاه اسبق محسوب می‌شد. درحالی که صلاحیت حزب او بعد از خودش در دست پسرش حامد گیلانی بود، بسیاری از افراد رده بالا و مسئولین کمیته‌های تنظیم او را اعضای حزب افغان ملت و افراد دارای اندیشه قبیله‌سالار و برتری‌خواهان قوم پشتون تشکیل می‌داده است. (اندیشمند، پیشین، ۳۳ و گروه پژوهش‌های سینا، ۶۷۲)، با تصویب قانون احزاب سیاسی در دوره نخست ریاست جمهوری حامد کرزای، حزب محاذ ملی اسلامی با مرامنامه و اساسنامه‌ی جدید - در سال ۱۳۸۲ ش در وزارت عدلیه افغانستان - ثبت گردید. قبل از ثبت محاذ ملی اسلامی افغانستان، شورای مؤسسان این حزب در نشستی در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۰، پیر سید احمد گیلانی را بار دیگر به مقام رهبری برگزیدند. (وبسایت اینترنتی پیام آفتاب)

۵. جمع‌بندی

- ۱- سادات گیلانی افغانستان به کسانی اطلاق می‌گردد که ریشه نسبی آنان به شیخ عبدالقادر گیلانی بنیان‌گذار طریقت قادریه بازمی‌گردد. این تبار در آغاز ورود به افغانستان، مبلغ طریقت تصوفی قادریه بودند که با ورود به افغانستان در مناطق هرات، جلال‌آباد و کابل سکونت اختیار نمودند. شعبه هرات این تبار، از آغاز تا دوره حاضر، بیشتر به فعالیت‌های عرفانی و اجتماعی اشتغال داشته‌اند؛ اما شعبه کابل این خاندان، از زمان هجرت سید حسن گیلانی مشهور به حضرت نقیب صاحب از عراق به افغانستان، مراحل مختلفی را به پشت سر گذاشته‌اند.
- ۲- سادات گیلانی کابل که در آغاز در شرق افغانستان حضور داشته‌اند، نقش مهمی در گسترش این طریقت در میان قبایل پشتون در مناطق جنوب و شرق افغانستان داشته است. از

آنجا که تصوف در میان پیروان اهل سنت افغانستان، جایگاه ویژه‌ای دارد، این خاندان نیز به‌عنوان میراث داران سنت عرفانی، جایگاه مهمی داشته‌اند. در تذکره‌های رجال متصوفه افغانستان به تعداد زیادی برمی‌خوریم که از پیر سید حسن گیلانی، اجازه خلافت داشته است.

۳- سادات گیلانی کابل اگرچه در آغاز با هویت عرفانی وارد افغانستان گردید؛ اما در سه دهه اخیر با توجه به کارکردهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که داشته‌اند به فعالیت‌های سیاسی‌شان، شهرت یافته‌اند. این تبار با آن‌که اصالتاً سادات اهل سنت عراقی، از نژاد شیخ عبدالقادر گیلانی هستند؛ اما به دلیل تعامل و زندگی در میان پشتون‌ها از جانب اکثریت ساکنان افغانستان، آن‌ها به‌عنوان قوم پشتون شناخته می‌شوند.

۴- خاندان گیلانی در تحولات سیاسی و اجتماعی - در سه دهه اخیر در افغانستان - به‌عنوان یک جریان تأثیرگذار، شناخته می‌شود. آنان همان‌طوری که در اصل جهاد اسلامی علیه روس‌ها شرکت داشتند، در حوادث بعدازآن نیز حضور داشتند. اکثر منابع تاریخ معاصر افغانستان، شخصیت‌های این خاندان را مسلمان‌های لیبرال غرب‌گرا و طرفدار بازگشت نظام سلطنتی ظاهرشاه معرفی نموده است. در عمل نیز افراد این خاندان از میانه‌روترین شخصیت‌ها در مسائل سیاسی و مذهبی می‌باشند. نقطه قابل‌توجه این است که سادات گیلانی کابل با متغیرهای زمان‌های سپری‌شده، تغییرات قابل‌توجهی را در بینش سیاسی، اجتماعی و مذهبی سپری نموده‌اند؛ که گذر از وادی عرفان پا نهادن به دنیای پررمزوراز سیاست، مهم‌ترین آن‌هاست.

۵- در اخیر می‌توان ادعا نمود؛ ظرفیت‌های موجود در افغانستان از گذشته‌های دور تا به امروز، مردم این سرزمین را در برابر جریان‌های مختلف روادار بار آورده است. ورود شخصیت‌های علوی مخالف اموی به خراسان بزرگ و استقبال مردمان این سرزمین از آنان، دفاع از اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در مقابل ظلم‌های امویان، ورود شخصیت‌های عرفانی و مذهبی از دیگر سرزمین‌ها به این منطقه و استقبال ساکنان این سرزمین از آن‌ها، نمونه‌های است که می‌توان به آن‌ها مثال زد. ورود خاندان گیلانی به افغانستان و جای بازنمودن در میان مذهب، مشرب و سیاست ساکنان این سرزمین نیز از همین موارد بوده است.

منابع

۱. ارزگانی، مسیح، افغانستان رنگین کمان اقوام، (بی‌جا)، مرکز مطالعات و انتشارات میراث خراسان، ۱۳۹۰ ش.
۲. اندیشمند، محمد اکرام، سال‌های تجاوز و مقاومت، (بی‌جا)، نشر پیمان، تابستان ۱۳۸۳ ش.
۳. بهادر جان آغا، عبدالوکیل، گلدسته مقامات بهادریه، کابل، مسجد جامع، خانقاه و مدرسه عرفانی قلعه کاشف کمپنی، چ ۲، ۱۳۹۰ ش.
۴. تنویر، محمد حلیم، زنان سخنور و نامور افغانستان، انستیتو تحقیقات و بازسازی افغانستان در سرسرایند، مرکز نشریات اسلامی صبور پیشاور پاکستان، ۱۳۸۰ ش.
۵. الحسینی، امیر سید عبدالله معروف به اصیل هروی و دیگران، رساله مزارات هرات، با تصحیح و حواشی: فکری سلجوقی، هرات، انتشارات محمدی، ۱۳۸۶ ش.
۶. دهباشی، مهدی و میرباقری فرد، سید علی‌اصغر، تاریخ تصوف، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۴ ش.
۷. روا، الیور، افغانستان اسلام و نوگرایی‌ای سیاسی، ترجمه ابوالحسن سرو مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ ش.
۸. ژوبل، محمد حیدر، تاریخ ادبیات افغانستان، کابل، بنگاه انتشاراتی میوند، چ ۴، ۱۳۸۳ ش.
۹. سجادی، عبدالقیوم، جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. سیستانی، محمد اعظم، علامه محمود طرزی شاه امان‌الله و روحانیت متنفذ، سویدن، بی‌نام، ۲۰۰۴ م.
۱۱. صادقی، سید علی‌اشرف، خورشید عرفان پیر گیلان، (زندگی و آراء شیخ عبدالقادر گیلانی) تهران، انتشارات منوچهری، ۱۳۷۹ ش.

۱۲. صیقل، محمد احسان، چراغ معرفت کلید سعادت، کابل، مطبعه سلطانی، چ ۳، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. فرزانه، احمدشاه، افغانستان از ظهور مجاهدین تا سقوط طالبان، مشهد، نشر آهنگ قلم، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. فرهنگ، میر محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران، انتشارات عرفان، چ ۱۹، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. گروه پژوهش سینا، افغانستان در سه دهه اخیر، قم، انتشارات ثقلین، ۱۳۸۱ ش.
۱۶. گیلانی، سید محمد رفیق، جلوه‌های عرفان، هرات، مطبعه دولتی. ۱۳۹۰ ش.
۱۷. مارسدن، پیتر، طالبان، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، نشر مرکز، چ ۲، ۱۳۸۸ ش.
۱۸. المحض الکیلانی، عبدالرحمن، تاریخ جامع الشیخ عبدالقادر الکیلانی، بغداد، دارالشؤون الثقافية العامة «آفاق عربية»، ۱۹۹۴ م.
۱۹. مصاحبه نگارنده با آقای جوهر صدیقی معتمد خاندان گیلانی، زمان: تابستان ۵/۲۵/۱۳۹۱ ش، مکان: دفتر حزب سیاسی محاذ ملی اسلامی افغانستان کابل کارته نقیب
۲۰. نوید، سنزل، افغانستان در عهد امانیه، ترجمه محمد نعیم مجددی، هرات، انتشارات احراری، چ ۲، ۱۳۸۸ ش.
۲۱. وبسایت اینترنتی اطلاعات رجال: www.rijaldb.com
۲۲. وبسایت اینترنتی پیام آفتاب: www.payam-aftab.com
۲۳. وبسایت اینترنتی جمعیت هلال احمر افغانستان: www.arcs.org.af
۲۴. وبسایت اینترنتی شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان: www.afghanpaper.com
۲۵. وبسایت اینترنتی مجالس سنا و پارلمان افغانستان: www.mj.parliament.af.com